



ارزیابی الگوی فضایی پراکنش عملکردی سکونتگاه‌های ناحیه روستایی زبرخان (طی بازه زمانی ۱۳۷۵-۱۳۹۸)

نسبیه حسینی*^۱، حسن افراخته^۲، فرهاد عزیزپور^۳

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

چکیده

با هدف مطالعه سازمان فضایی دهستان، پژوهش حاضر در پی آن است که ابتدا به تعیین و تشکیل سلسه مراتبی از سکونتگاه‌ها که بتواند چارچوب موثری برای توزیع خدمات و کارکردها در سطوح مختلف باشد، بپردازد و در نهایت الگوی فضایی حاکم در ناحیه را شناسایی کند. بنابراین با استفاده از شاخص مرکزیت و به کارگیری 35 متغیر، نسبت به سطح‌بندی سکونتگاه‌های مورد مطالعه در سطوح مختلف عملکردی اقدام گردید. تحقیق حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و بر اساس روش توصیفی - تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی است. قلمرو جغرافیایی تحقیق، دهستان زبرخان شهرستان نیشابور است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که عدم توزیع مناسب خدمات و نبود تعادل فضایی سبب‌ساز افزایش جابه‌جایی و حرکت بین سکونتگاه‌های انسانی در سطح دهستان شده است. از این رو دو سکونتگاه قدمگاه، درود با رتبه‌های اول به مکان‌های اصلی تردد درون ناحیه‌ای تبدیل شده‌اند. این در حالیست که روستاهای بازحیدر، علی اباد، چشمه خسرو، محمد اباد، قره داش، قره بیک و کلاته لویدانی در پایین‌ترین سطح توسعه (محروم) قرار دارند و از حداقل خدمات و امکانات بی بهره‌اند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که الگوی جریان‌ها به صورت روابط یکسویه است و پیوندهای مکمل، دوسویه و هم‌افزا شکل نگرفته است. این الگو مطابق با نظریه قطب رشد با حاکمیت شهرهاست و هنوز با الگوی شبکه منطقه‌ای فاصله زیادی دارد. به طور کلی می‌توان اینگونه عنوان کرد که سازمان فضایی دهستان زبرخان فاقد تعادل فضایی است که با ایجاد تعادل در توزیع امکانات و خدمات می‌توان به توسعه متعادل و پایدار و سازمان فضایی بهینه دست یافت.

کلیدواژه‌ها: سازمان فضایی، سلسله مراتب، شاخص مرکزیت، ناحیه زبرخان.



Evaluation of spatial pattern of functional distribution of settlements in Zebarkhan rural area (During the period 1996-2019)

Nasibe Hosseini^{1*}, Hassan Afrakhteh², Farhad Azizpour³

1- PhD student in Geography and Rural Planning, Faculty of Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran.

2- Professor of Geography and Rural Planning, Faculty of Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran.

3- Associate Professor of Geography and Rural Planning, Faculty of Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Abstract

With the aim of studying the rural spatial organization, the present study, first seeks to determine and form a hierarchy of settlements that can be an effective framework for the distribution of services and functions at different levels, and finally, identify the prevailing spatial pattern in the area. Therefore, using the centrality index and applying 35 variables, the studied settlements were classified at different functional levels (5 levels). The present study is practical in terms of purpose and based on method, is descriptive-analytical. The method of data collection is library and field research. Geographical territory of research is Zebarkhan village of Neishabour city. The findings of the study indicate that the lack of proper distribution of services and lack of spatial balance has increased mobility and movement between human settlements in the countryside. Hence, the two settlements of Ghadamgah and Dorrud, have become the main places of intra-district traffic with the first ranks. Meanwhile, the villages of Bazhidar, Aliabad, Cheshmeh Khosrow, Mohammadabad, Qaredash, Qarebeik and Kalateh Lavidani are at the lowest level of development (deprived) and lack the minimum services and facilities. The results indicate that the pattern of flows is one-way relationships and no complementary, two-way and synergistic relationships are formed. This model is in line with the theory of the growth pole with the dominance of cities and is still far from the regional network model. In general, it can be said that the space organization of Zabrkhan village lacks a spatial balance that by creating a balance in the distribution of facilities and services, balanced and sustainable development and optimal space organization can be achieved.

Keywords: Spatial organization, Hierarchy, Centrality index, Zebarkhan area.

* Corresponding author E-mail address: Nasibe.hosseini69@gmail.com

مقدمه

سازماندهی فضا همواره به دنبال ارائه چارچوبی منطقی برای دریافت اصول حاکم بر ساختار و کارکرد فضا و درک خصیصه‌های آن بوده تا از آن طریق صورت‌بندی فعلی و جلوه‌های فضایی موجود، تحلیل شده و روندهای مشابه پیش‌بینی و برنامه‌ریزی شود (رستم‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۲). همانطور که پیتر هاگت بیان می‌کند، سکونتگاه‌ها مانند شبکه به هم متصل‌اند؛ زیرا جریان‌های فضایی بین روستاها و شهرها یک نظام شبکه‌ای در ناحیه ایجاد می‌کنند؛ این نظام حاصل کنش‌های متقابل سکونتگاه‌ها بر همدیگر است، شکل شبکه و الگوهای جریان‌های فضایی بر پایه شش اصل حرکت، مجاری، گره‌ها، سلسله مراتب، سطوح، و پراکنش قرار دارد؛ این عناصر عوامل شکل‌دهنده شبکه و سازمان فضایی سکونتگاه‌ها می‌باشند که در شکل‌دهی به جریان‌های فضایی در ناحیه نقش بارزی دارند و سبب تفاوت‌های فضایی می‌شوند (قاسمی و عزیزپور، ۱۳۹۸). محققان، اقتصاددانان و جغرافی‌دانان برای شناخت خصلت‌های حاکم بر فضا از طریق جست‌وجو در نظام و روابط حاکم بر سیستم و همچنین ساختارها و کارکردهای حاکم بر نظام‌های سکونتگاهی، به ناچار از مدل‌ها و روش‌هایی برای تعیین قانونمندی‌های حاکم بر فضاها استفاده کرده‌اند. برخی از این مدل‌ها دارای ابعاد مکانی فضایی بوده که قادر به بررسی، تحلیل و تبیین وضع موجود سازمان فضایی و ساختار حاکم بر آن، تغییرات و تحولات سازمان فضایی و آینده‌نگری در سازمان فضایی سکونتگاه‌ها و چگونگی چیدمان بهینه آن‌هاست. از این‌رو، نظریه‌های سنتی تبیین سازمان فضایی سکونتگاه‌ها مانند هزینه‌های حمل و نقل، قطب رشد، مراکز رشد، رویکرد روستا شهری، مرکز پیرامون، کارکردهای شهری در توسعه روستایی، مکان رقابت‌کنندگان و فاصله با مصرف‌کنندگان و کارهای آلفرد وبر در صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس، هر یک بر جنبه‌ای از فضا، زمان، و مکان در سازمان فضایی تأکید داشته‌اند (قاسمی سیانی، ۱۳۹۶). در مقابل، از سال ۱۹۹۰ به بعد، دیدگاه‌های شبکه‌ای، شبکه منطقه‌ای، شبکه هم‌پیوندی اهمیت و اعتبار یافت و پایه مطالعات کنونی را تشکیل داد. در رویکرد شبکه منطقه‌ای رشد و توسعه هماهنگ از طریق روابط مکمل و پیوندهای سازمان‌یافته بین نواحی شهری روستایی در سطح مناطق توصیه شده است. در این دیدگاه، تعامل هر یک از نقاط با دیگر نقاط در نظام جریان‌ها استوار است و با تأکید بر داده‌های رابطه‌ای، کم و کیف، شکل و محتوای آرایش جریان‌ها، سازمان فضایی را هدف قرار می‌دهد. در واقع سازمان یابی فضا بر مبنای رهیافت تعاملی یا شبکه مبنای می‌باشد. در این رویکرد بر تغییر ساختاری و توسعه روستایی با نقش‌ها و عملکردهای شهری از راه مجموعه‌ای از جریان‌ات روستایی شهری تأکید شده است (عزیزپور و شمسی، ۱۳۹۱). بر همین اساس در رهیافت شبکه‌ای ساختار فضایی و سازمان-یابی سکونتگاه‌ها نه به شکل سلسله‌مراتبی بلکه به صورت سیستم شبکه‌ای بهم پیوسته تعریف می‌گردد. به عبارتی دیگر، پارادایم شبکه با نگاهی متفاوت به مفهوم فضا و برداشتن موانع مکانی - زمانی از بنیان با نظریه‌های مکان مرکزی و اقتصاد نئوکلاسیک که بر هزینه و زمان متکی بوده‌اند؛ متفاوت است.

در هر فضای جغرافیایی، پایش مدیریت و مهندسی فضا این پرسش اساسی را در سرآغاز دارد که آیا تغییر و تحولات رخ نموده در فضا، دارای نظم از پیش تعیین‌شده و تحت کنترل از سوی دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان است یا پدیدارهایی خود به خودی بوده و یا ماهیتی آشفته و خارج از کنترل دارد؟ (افراخته و حجی‌پور، ۱۳۹۶). در این میان سکونتگاه‌های روستایی، به عنوان جزئی از نظام‌های جغرافیایی و اولین شکل از حیات اجتماعی انسان، در گذر زمان خواسته یا ناخواسته، همواره تحت تأثیر ساختارها و روابط و عوامل مختلف دستخوش تغییراتی شده است (سعیدی، ۱۳۸۶؛ فضلی و پریشان، ۱۳۸۸). این تغییرات می‌تواند در زمینه‌های مختلف از جمله تغییر ساختارهای جمعیتی، کارکردی و اقتصادی (متزلزل شدن اساس و بنیاد تولید کشاورزی و گسترش فعالیت‌های حاشیه‌ای و غیر تولیدی) و نیز تغییرات مورفولوژیکی از طریق رشد و گسترش کالبدی باشد. چنین تغییر و تحولاتی باعث شکل‌گیری ساختارها و کارکردهای جدید می‌شود. در این بین عوامل و نیروهای مختلف درونی و بیرونی در تغییر و تحولات کارکردی نواحی روستایی مؤثر بوده و نقش بسزایی داشته‌اند (علیایی و عزیزپور، ۱۳۹۷). در سال‌های اخیر، سکونتگاه‌های روستایی در جریان دگرگونی‌های مکانی - فضایی دچار تحولاتی شده‌اند که شتاب این دگرگونی‌ها به حدی بوده است که تعداد زیادی از روستاها یا دچار دگرگونی در ساختار و کالبد خود شده‌اند و یا گاه از طریق پدیده خوردگی و خزش (دست اندازی کانون‌های شهری به اراضی کشاورزی و روستاهای پیرامونی)، به بدنه این شهرها ملحق شده است (سعیدی و شفییعی ثابت ۱۳۸۴).

کوشش در راستای انتظام فضایی سکونتگاه‌ها، اعم از شهری و روستایی می‌تواند زمینه‌ساز پیشبرد برنامه‌های توسعه در سطوح گوناگون به شمار آید. در این راستا از یک سو، شناخت ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سکونتگاه‌های روستایی و از سوی دیگر تنظیم صحیح و بسامان نحوه ارائه خدمات مناسب به آنها به منظور بهره‌گیری عقلایی از این قابلیت‌ها، از گام‌های اولیه و اساسی است که باید به نحوی متین و استوار برداشته شود. به این ترتیب، ثمربخشی هرگونه راهبرد توسعه روستایی و از میان برداشتن یا تعدیل فاصله موجود میان عرصه‌های شهری و روستایی، منوط به سطح‌بندی روستاها براساس قابلیت‌ها و امکانات مکانی - فضایی و نیازهای آنها در قالب یک نظام سکونتگاهی یکپارچه و همسو است (سعیدی، ۱۳۸۸: ۲-۳).

در زیر به تعاریف مفاهیم و مقولات مرتبط با موضوع پژوهش پرداخته می‌شود:

فضا: دیوید هاروی، فضا را به عنوان یک رابطه معنی‌دار تلقی می‌کند که نمی‌تواند مستقل از وضعیت افراد و شرایط محیطی آن‌ها شناسایی و درک شود. او فضا را محصول مجموعه احساسات، تصورات و واکنش‌های فرد نسبت به نمادگرایی فضایی موجود در محیط می‌داند (کاظمیان، ۱۳۸۳).

ساختار فضایی: ساختار فضایی عبارت است از تجلی روابط درونی و برونی واحدهای یک مجموعه فضایی و جایگاه اجزا آن بر بستر محیط فیزیکی. یک ساختار فضایی معمولاً روابط عمودی سطوح سازمان فضایی‌اش را به صورت ارتباطات منعکس نموده و معمولاً روابط افقی واحدها را از طریق حوزه‌های نفوذ و قلمروها نشان می‌دهد (صرافی، ۱۳۶۴: ۷-۴).

سازمان فضایی: سازمان فضایی عبارت از ترتیب و توزیع نظام‌یافته واحدهای یک مجموعه در فضا در راستای عملکردهای عمومی مجموعه است. در واقع، مقصود از سازمان فضایی، شبکه‌ای است که عناصر آن را مراکز شهری (مراکز مختلط تجاری، اداری، فرهنگی و نظایر این‌ها در مقیاس کل شهر و مناطق و نواحی آن)، محورهای مهم ارتباطی (معايير اصلی و خطوط حمل و نقل)، محورهای مهم عملکردی و کاربری‌های عمده (در مناطق شهر و مناطق و نواحی آن) تشکیل می‌دهد (داداش پور و آفاق پور، ۱۳۹۵).

نظام سکونتگاهی: مجموعه ساخت‌های سکونتگاهی در یک ناحیه، از جمله شهری و روستایی و شامل الگو و شکل تجمعات انسانی که با یکدیگر براساس نظم سلسله مراتبی، در ارتباط عملکردی قرار داشته باشند. گاهی اصطلاح شبکه سکونتگاهی به عنوان مترادف نظام سکونتگاهی بکار می‌رود (سعیدی، ۱۳۸۸: ۲۳).

ناحیه روستایی: عرصه‌های فضایی در مقیاس بخش یا شهرستان که دارای نسبت قابل توجهی از جمعیت روستایی و فعالیت اصلی بخش کشاورزی هستند. اینگونه نواحی در مواردی که بر اساس خصوصیات مشترک مرزبندی می‌شوند، ممکن است مجموعه‌ای از قسمتهایی از دو یا چند حوزه اداری-سیاسی را در برگیرند (سعیدی، ۱۳۸۸: ۲۱). در پژوهش حاضر، دهستان زبرخان که دارای جمعیت روستایی با فعالیت اصلی کشاورزی (باغداری، زراعت و دامداری) بوده، به عنوان ناحیه روستایی محسوب شده است.

سطح‌بندی: گروه‌بندی سلسله مراتبی پدیده‌های همسان براساس مجموعه‌ای از معیارها یا خصوصیت‌ها و جایگاه و وضعیت هر یک نسبت به بقیه (سعیدی، ۱۳۸۸: ۲۴).

در حوزه الگوی فضایی حاکم بر سکونتگاه‌های نواحی روستایی، با موارد مختلفی در ارتباط با موضوع حاضر روبرو می‌شویم که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود: قادری و آسایش (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان تحلیل و تبیین جغرافیایی توزیع فضایی - مکانی سکونت‌گاه‌های روستایی، سکونتگاه‌های بخش لاجان شهرستان پیرانشهر را در قالب سلسله مراتب پنج سطحی از نواحی روستایی تقسیم‌بندی کردند. نتایج گویای آن بود که پراکنش سکونتگاه‌های روستایی در مقیاس متفاوت تابع هیچ نظم خاصی نبوده که این عامل توانسته نقش بازدارنده‌ای در توسعه و پیشرفت ناحیه ایفا کند. بنابراین اتخاذ یک نظم سلسله مراتب پنج سطحی در ناحیه لاجان با نگرش سیستمی و مدل توسعه یکپارچه روستایی می‌تواند زمینه‌ساز توسعه همه جانبه و رفع محرومیت از این ناحیه گردد.

کریمی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به تحلیل سازمان فضایی و سطح‌بندی نظام شهری استان کردستان پرداختند و بر آن شدند تا الگوی مناسب جهت توسعه نظام شهری ارائه کنند. لذا در ابتدا به ارزیابی سازمان فضایی استان کردستان طی ۷ دوره سرشماری (۱۳۳۵-۱۳۹۰) پرداختند و سپس به تعیین و تشکیل سلسله مراتبی از سکونتگاه‌ها که بتواند چارچوب موثری برای توزیع جمعیت، فعالیت، خدمات و کارکردها در سطوح مختلف باشد، پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که نظام شهری و سازمان فضایی استان کردستان، فاقد تعادل فضایی است که با ایجاد تعادل در توزیع امکانات و خدمات و فرصت‌های منایب برای شهرهای استان در مراتب مختلف می‌توان به توسعه متعادل و پایدار سازمان فضایی بهینه دست یافت.

ضرابی و پریزادی (۱۳۹۰)، در پژوهشی به سطح‌بندی سکونتگاه‌ها و مراکز عملکردی محلی دهستان صاحب بخش زیویه شهرستان سقز، با استفاده از ۴۹ متغیر، پرداختند. بدین منظور ۹ تکنیک شامل میزان سنج نهادی گاتمن، شاخص مرکزیت، مجموع حداقل فواصل، تعداد ارتباط‌های مستقیم، تعداد گره‌های ارتباطی، شاخص Z و غیره مورد استفاده قرار گرفت. نتایج نشان داد که روستاهای دهستان در چهار سطح توسعه‌یافته، نسبتاً توسعه‌یافته، کمتر توسعه‌یافته و محروم قابل تقسیم‌بندی هستند. همچنین با توجه به سطح‌بندی فضایی پیشنهادی، می‌توان کل دهستان را به یک مجموعه روستایی (روستاشهر صاحب) و ۴ حوزه عمرانی (قلعه کهنه، اسلام آباد، کریم آباد و صاحب) تقسیم کرد.

تیموری و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان «سطح‌بندی سکونتگاه‌های روستایی بر اساس توان انسانی از دیدگاه آمیختگی سرزمین»، روستاهای منتخب بخش مرکزی شهرستان شیراز را با استفاده از ۲۴ متغیر در سه سطح (توسعه‌یافته، در حال توسعه و

توسعه‌نیافته) تقسیم‌بندی کردند. نتایج نشان داد که بیشتر روستاهای بخش مرکزی شهرستان شیراز در خوشه سه (توسعه‌نیافته) قرار گرفته‌اند و از نظر سطح توسعه نیز، ۷۲/۵۴ درصد توسعه‌نیافته، ۲۴/۵۲ درصد در حال توسعه و ۲/۹۴ درصد توسعه‌یافته‌اند. دیو سالار و کیانژاد تجنکی (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان «تبیین سازمان فضایی شهرستان بابل با استفاده از شاخص‌های کمی و کیفی»، نیروهای درونی و بیرونی اثرگذار بر شکل‌گیری و تکوین سازمان فضایی شهرستان بابل را طی دوره زمانی ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰، مورد تحلیل و ارزیابی قرار دادند. نتایج نشان داد، طی چهار دهه گذشته شهرستان بابل از شکل مرکز پیرامون به صورت شبکه شهری منطقه‌ای تغییر ساختار داده است، اما از بعد محتوایی هنوز بخش اعظم فعالیت و خدمات و جمعیت در شهر بابل (بیش از ۸۰ درصد جمعیت شهری) واقع شده‌اند. همچنین مشخص شد شهرهای نوپا برای توزیع بهتر خدمات و امکانات، کاهش تمرکزگرایی و ایجاد نظام توزیع فضایی جمعیت و خدمات همگن، بنا به صلاحدید نهادهای ذیربط شکل گرفته‌اند و با توجه به اختلاف زیاد مراکز شهری این ناحیه فاقد نظام سلسله‌مراتبی است.

محمدی (۱۳۹۱)، در تحقیق خود با نام «تحلیل سازمان فضایی نظام سکونتگاه‌های شهرستان جوانرود» به شناخت نظام موجود حاکم بر سازمان فضایی سکونتگاه‌های شهرستان جوانرود و تحلیل آن بر اساس اطلاعات سرشماری سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ پرداخت. نتایج حاکی از آن بود که عامل اصلی تحولات سازمان فضایی شهرستان جوانرود در سال ۱۳۸۵ به نسبت سال ۱۳۷۵، مهاجرت نبوده و تغییراتی که در سازمان فضایی شهرستان جوانرود در سال ۱۳۸۵ روی داده است، ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی را در پی داشته است. قاسمی و عزیزپور (۱۳۹۸)، تحول در نظام فعالیت و دگرذیسی سازمان فضایی نواحی روستایی حاشیه زاینده‌رود (ناحیه بن‌رود و جلگه) را مورد بررسی قرار دادند. نتایج بیانگر آن بود که در اثر عواملی مانند محدودیت منابع آب و خاک، تضعیف نقش تولید کشاورزی، تضعیف نظام اقتصاد روستایی، کاهش نقش نیروی انسانی فعال در تولید، تضعیف ساختارهای بومی نظام بهره‌برداری از منابع آب در ساختار اشتغال به نفع بخش خدمات تغییری به‌وجود آمده که این امر به رشد مهاجرت فرستی انجامیده است. در نتیجه ساختار فعالیت تولیدی در منطقه به فروپاشی رسیده است و در اثر این امر سازمان فضایی منطقه از یک سازمان منظم و پایدار به سمت سازمانی قطبی‌شده با محوریت شهرگرایی به نقاط کانونی سوق داده شده است.

ملکی پور (۱۳۹۱)، در پژوهشی به تحلیل فضایی نظام سکونتگاه‌های روستایی بخش شرق و غرب شهرستان دهلران، پرداخت. هدف از پژوهش وی، تحلیل نظام سکونتگاهی روستاهای بخش شرق و غرب شهرستان دهلران و روابط متقابل مرکز ناحیه و روستاهای پیرامون بود. بر این اساس، از طریق داده‌های طبیعی، اقتصادی و انسانی، روستاهای شرق و غرب و روابطی که با شهر دهلران بعنوان مرکز ناحیه دارند، مورد پژوهش قرار گرفت. نتایج نشان داد که سکونتگاه‌های روستایی در دو بخش غربی و شرقی دهلران بطور یکنواخت در سطح شهرستان توزیع نشده‌اند بلکه با توجه به استعدادهای طبیعی بخش شرقی، با دارا بودن پتانسیل‌های قوی رشد، توپوگرافی صاف و هموار و دشت‌های باز و منابع آب سطحی و زیر زمینی غنی، توانسته جمعیت را تثبیت نموده و نفوذ برون ناحیه‌ای اقتصاد مبتنی بر کشاورزی منطقه را نه تنها در استان‌های همجوار بلکه تا کشور عراق گسترش دهد. حال آنکه بخش غربی بعلاوه شرایط مساعد طبیعی و زوال اقتصاد دامداری، با عدم تثبیت جمعیت و مهاجرت روستاییان به سمت شهر دهلران در جهت کسب درآمد و استفاده از خدمات روبروست.

روستاهای ناحیه زبرخان در چندین سال اخیر تحت تأثیر موقعیت خاص ارتباطی و نزدیکی با کلانشهر مشهد، تحولات شتابان و عمیقی را در زمینه‌های مختلفی همچون الگوی مسکن و بافت روستایی، کاربری اراضی، ویژگی‌های جمعیتی، وضعیت اقتصادی و اشتغال روستا تجربه کرده است. بنابراین توجه به مقوله بررسی سازمان فضایی توسعه سکونتگاه‌های شهری و روستایی و آشکار ساختن نابرابری و تفاوت میان سکونتگاه‌های دهستان و نیز ارائه راهکارهایی جهت بهبود مسئله ضروری به نظر می‌آید. تحقیق حاضر با چنین نگرشی به ارزیابی الگوی فضایی پراکنش عملکردی سکونتگاه‌های ناحیه زبرخان طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۸ جهت ارائه الگوی بهینه برای مدیریت صحیح ناحیه می‌پردازد. بنابراین جهت نیل بدین مقصود، پرسش‌های مبنایی ذیل مطرح می‌شوند:

۱- سکونتگاه‌های مورد مطالعه به لحاظ دسترسی به خدمات و امکانات در چه سطحی قرار دارند و مراکز اصلی و مادر ناحیه کدامند و بر اساس شاخص مرکزیت، سکونتگاه‌ها چه جایگاهی را به خود اختصاص داده‌اند؟

۲- روابط بین مراکز و گره‌گاه‌ها چگونه است و الگوی فضایی حاکم در ناحیه به چه صورت است؟

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از حیث روش‌شناسی، توصیفی-تحلیلی است. شیوه گردآوری داده‌ها با توجه به ماهیت پژوهش، کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. جامعه آماری تحقیق، شامل ۲۹ سکونتگاه شهری و روستایی واقع در دهستان زبرخان شهرستان نیشابور است.

در این پژوهش جهت رسیدن به اهداف تحقیق، با استفاده از شاخص مرکزیت و به کارگیری 35 متغیر، نسبت به سطح بندی سکونتگاه‌های مورد مطالعه در سطوح مختلف عملکردی (۵ سطح) اقدام گردید. شاخص مرکزیت، در واقع یکی از روش‌های نشان دادن میزان مرکزیت سکونتگاه‌هاست. این شاخص اهمیت کارکردی عملکردها را نه تنها بر مبنای تعداد عملکردها در یک مکان، بلکه بر اساس فراوانی این عملکردها در کل منطقه اندازه‌گیری می‌کند. عملکردها، وزنی معادل نسبت معکوس آن‌ها به خود می‌گیرند که ضریب مکانی نامیده می‌شود و از طریق رابطه زیر بدست می‌آید:

$$C_i = \frac{1}{T} \times 100$$

در این رابطه:

C_i : ضریب مکانی عملکرد i

T : کل عملکردهای موجود در منطقه.

برای محاسبه این فرمول و شاخص مرکزیت هر سکونتگاه، در ابتدا ماتریس از انواع خدمات موجود در منطقه و اسامی روستاهای آن تهیه می‌شود؛ و سپس، با استفاده از داده‌های این ماتریس، ستون مربوط به شاخص مرکزیت در جدول دیگری ثبت و در نهایت برای محاسبه شاخص مرکزیت هر روستا، ارزش مرکزیت هر سرویس خدماتی در تعداد آن به تفکیک هر روستا ضرب و در نهایت اعداد محاسبه شده، جمع می‌شوند. از این روش برای سطح بندی مراکز با توجه به تسهیلات و خدمات موجود در آنها به‌ویژه آنهایی که دارای خدمات با نظم بالاتر هستند سود خواهیم برد.

در پژوهش حاضر، به منظور تعیین سطح برخورداری از امکانات و تأسیسات و تعیین درجه مرکزیت هر یک از روستاها در این نواحی، امکانات موجود در روستاها و کارکردهای منتج از آنها به شرح زیر، مورد توجه قرار گرفته است:

تأسیسات آموزشی - فرهنگی: مهد کودک، دبستان، راهنمایی، دبیرستان، هنرستان، کتابخانه عمومی و دانشگاه.

تأسیسات سیاسی و اداری: مرکز خدمات کشاورزی، دفتر جهاد کشاورزی، شرکت تعاونی روستایی، پاسگاه نیروی انتظامی.

تأسیسات زیربنایی: برق، گاز لوله کشی، آب لوله کشی، سیستم تصفیه آب، سیستم جمع‌آوری زباله.

ارتباطات: صندوق پست، دفتر پست، مخابرات، دسترسی به اینترنت، دسترسی به وسیله نقلیه عمومی، نوع مسیرهای ارتباطی.

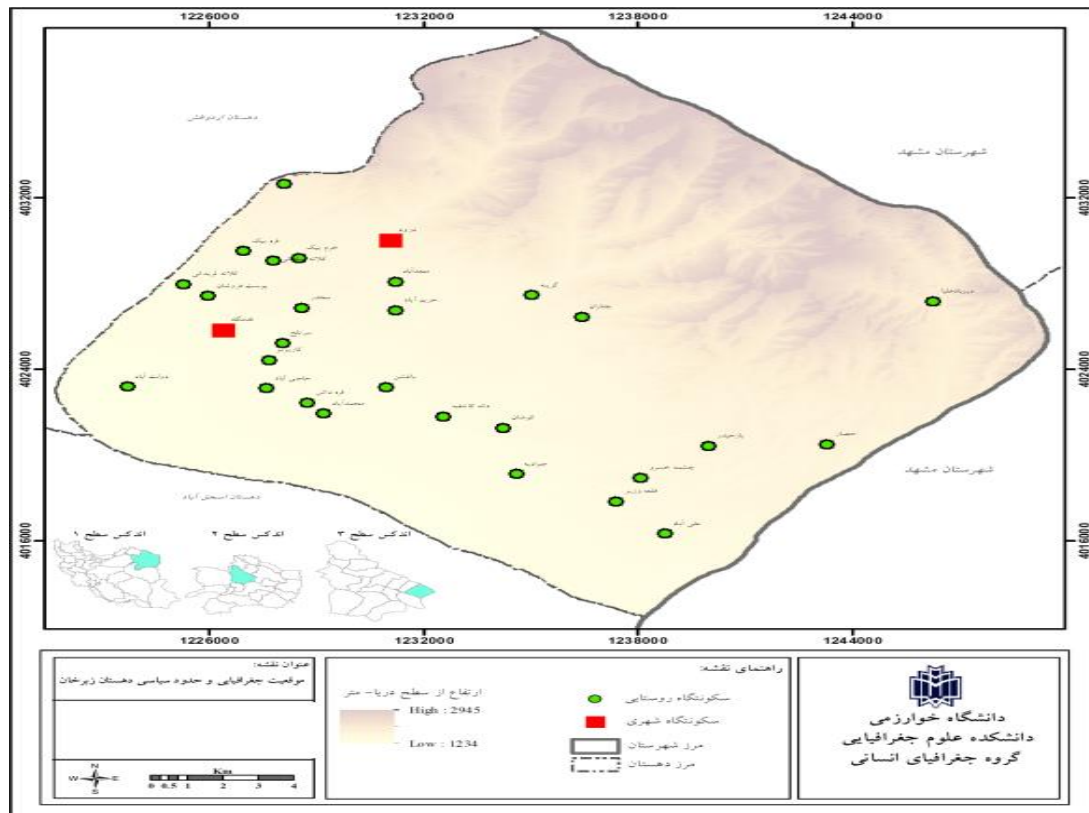
تأسیسات بهداشتی - درمانی: حمام عمومی، مرکز بهداشتی - درمانی، داروخانه، خانه بهداشت، پزشک، دندانپزشک، بهیار و ماما، دامپزشک.

واحدهای بازرگانی و خدمات: فروشگاه تعاونی، بقالی، تعمیرگاه ماشین‌آلات کشاورزی، تعمیرگاه ماشین‌آلات غیر کشاورزی، بانک.

بنابراین با استفاده از شاخص مرکزیت، سکونتگاه‌های واقع در ناحیه روستایی زبرخان در ۵ سطح مختلف عملکردی به صورت مجزا در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۹۸ تقسیم‌بندی شد و توسط نرم‌افزار GIS بر روی نقشه محدوده، نشان داده شد.

• قلمرو جغرافیایی پژوهش

قلمرو جغرافیایی تحقیق، دهستان زبرخان شهرستان نیشابور است. نیشابور یکی از شهرستان‌های بخش مرکزی استان خراسان رضوی است. این شهرستان بین ۵۸ درجه و ۱۹ دقیقه تا ۵۹ درجه و ۳۰ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۵ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۹ دقیقه عرض جغرافیایی در حاشیه شرقی کویر مرکزی ایران واقع شده است و شامل ۴ بخش مرکزی، زبرخان، سرولایت و میان جلگه است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، بخش زبرخان جمعیتی بالغ بر ۵۶۳۵ نفر دارد. این جمعیت در قالب ۱۸۳۱۲ خانوار شامل ۲۸۶۴۸ نفر مرد و ۲۷۹۸۷ نفر زن است که در سه نقطه شهری (دررود، قدگاه و خرو) و ۵۹ آبادی دارای سکنه زندگی می‌کنند. دهستان‌های اردوغش، زبرخان و اسحق‌آباد در این بخش واقع شده‌اند. دهستان زبرخان با ۲۳۶۸۲ نفر جمعیت به عنوان پر جمعیت‌ترین دهستان در بخش زبرخان تلقی می‌شود. شکل شماره ۱، پراکنش فضایی سکونتگاه‌های شهری و روستایی دهستان زبرخان را نشان می‌دهد.



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

• رده‌بندی جمعیتی سکونتگاه‌های ناحیه زبرخان

سطح‌بندی جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی عبارت از تعیین سطح یا لایه‌های نظام سکونتگاهی است، که بر حسب تفکیک دامنه‌های جمعیتی، در طبقات گوناگون قرار می‌گیرند. در مطالعات توسعه روستایی، سطح‌بندی جمعیتی به منظور درک جایگاه و روابط جمعیتی از ضروریات برنامه‌ریزی محسوب می‌گردد. مقیاس جمعیتی معمول‌ترین و ساده‌ترین شکل سطح‌بندی سکونتگاه‌های روستایی است (کلانتری، ۱۳۹۱: ۱۵۸). در این راستا به‌منظور سطح‌بندی سکونتگاه‌های روستایی ناحیه زبرخان با استفاده از اطلاعات جمعیتی شناسنامه آبادی‌های کشور در سالهای ۱۳۷۵ و بررسی‌های میدانی در سال ۱۳۹۸، جدول مقایسه‌ای مربوط به تعداد جمعیت و درصد از کل، بین سال‌های مذکور به شرح ذیل به دست آمد.

جدول ۱- رده‌بندی جمعیتی سکونتگاه‌های ناحیه زبرخان طی سال‌های ۷۵ و ۹۸

سال ۱۳۹۸		سال ۱۳۷۵		رده جمعیتی (نفر)
درصد از کل	تعداد	درصد از کل	تعداد	
۲۴/۱۳	۷	۲۷/۵۸	۸	۱ تا ۲۰۰ نفر
۲۴/۱۳	۷	۱۰/۳۴	۳	۲۰۱ تا ۳۰۰ نفر
۱۳/۷۹	۴	۲۰/۶۸	۶	۳۰۱ تا ۵۰۰ نفر
۱۰/۳۴	۳	۱۳/۷۹	۴	۵۰۱ تا ۸۰۰ نفر
۶/۸۹	۲	۶/۸۹	۲	۸۰۱ تا ۱۰۰۰ نفر
۱۰/۳۴	۳	۱۰/۳۴	۳	۱۰۰۱ تا ۲۰۰۰ نفر
۱۰/۳۴	۳	۱۰/۳۴	۳	بیش از ۲۰۰۰ نفر

همانطور که از جدول ۱ قابل مشاهده است بیشترین خانوارهای آبادی‌های ناحیه در سال‌های ۷۵ (۲۷/۵۸ درصد) و ۹۵ (۲۴/۱۳ درصد) در رده جمعیتی ۱ تا ۲۰۰ نفر جای گرفته‌اند.

• رده‌بندی سکونتگاه‌های ناحیه زبرخان بر اساس دامنه جمعیت

اگر سکونتگاه‌ها را بر اساس وسعت جمعیت به روستاهای بزرگ (با بیش از ۲۰۰ خانوار)، روستای میانی (۵۰ تا ۲۰۰ خانوار) و روستاهای کوچک (با کمتر از ۵۰ خانوار) تقسیم نماییم، در سطح ناحیه با تفاوت‌هایی از لحاظ سهم هر یک از گروه‌ها رو به رو خواهیم بود. همانطور که در جدول ۲ قابل رویت است ۴۴/۸۲ درصد از روستاهای ناحیه در سال ۷۵ و ۳۷/۹۳ درصد در سال ۹۸، در گروه روستاهای میانی قرار گرفته‌اند. در حالی که از میزان روستاهای کوچک در سال ۹۸ نسبت به سال ۷۵ کاسته شده و به تعداد روستاهای بزرگ افزوده شده است. این ارقام متفاوت نشان می‌دهد که سهم آبادی‌های کوچک و بسیار کوچک نه تنها با پراکندگی منابع در ارتباط است، بلکه با درجه توسعه‌یافتگی ناحیه‌ای نیز نسبت معکوس دارد، یعنی هر چقدر دسترسی به مراکز شهری و رشد و توسعه ناحیه‌ای بیشتر باشد، از تعداد آبادی‌های کوچک و بسیار کوچک کاسته می‌شود (سعیدی، ۱۳۸۸).

جدول ۲- رتبه‌بندی آبادی‌های ناحیه زبرخان بر حسب دامنه جمعیت

سال ۱۳۹۸		سال ۱۳۷۵		وسعت
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۴/۴۸	۱۰	۲۰/۶۸	۶	روستاهای بزرگ
۳۷/۹۳	۱۱	۴۴/۸۲	۱۳	روستاهای میانی
۲۷/۵۸	۸	۳۴/۴۸	۱۰	روستاهای کوچک
۱۰۰	۲۹	۱۰۰	۲۹	جمع کل

• سلسله مراتب عملکردی سکونتگاه‌ها

در تحلیل و تشخیص مکان‌های مرکزی در یک نظام سکونتگاهی، در خلال زمان کوشش‌های درخور و قابل توجهی صورت گرفته است؛ این کوشش‌ها عمدتاً توسط جغرافیدانان، برنامه‌ریزان منطقه‌ای، اقتصاددانان و جامعه‌شناسان با دیدگاه‌هایی متفاوت، تحقق یافته است. یکی از این روش‌ها، سطح‌بندی سکونتگاه‌ها به روش شاخص مرکزیت است. با این روش خدمات مورد مطالعه در پژوهش ارزش‌گذاری شدند و سکونتگاه‌های روستایی دهستان زبرخان براساس برخورداری از خدمات در ۵ سطح تفکیک شدند. همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌گردد، دو سکونتگاه درود و قدمگاه در سال ۱۳۷۵، با دارا بودن بیشترین و کلیدی‌ترین خدمات (درمانگاه، داروخانه، پاسگاه نیروی انتظامی، بانک و ...) و بالا بودن شاخص مرکزیت، در جایگاه نخست قرار گرفته‌اند و بالعکس روستاهای کلاته لویدانی، علی آباد، محمدآباد و... با پایین‌ترین شاخص مرکزیت، فاقد حداقل خدمات (دبستان، حمام، تلفن و ...) بوده و در پایین‌ترین سطح (سطح ۵) قرار دارند. همچنین بر اساس یافته‌های حاصل از روش شاخص مرکزیت، نهادهای دبستان و حمام به ترتیب با ۳.۳ و ۳.۸ کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند که این نشانگر آن است که اکثر سکونتگاه‌های دهستان از این دو خدمت برخوردارند. بر اساس جدول ۳، وضعیت توزیع خدمات در سکونتگاه‌های دهستان به گونه‌ای است که از مجموع کل سکونتگاه‌ها، ۸۲.۷۵ درصد سکونتگاه‌ها در حد پایین‌تر از متوسط و ۱۷.۲۴ درصد باقیمانده فراتر از حد میانگین قرار دارند. قابل ذکر است که در سال ۱۳۷۵ تنها سکونتگاه شهری دهستان، شهر درود با ۶۰۳۸ نفر جمعیت بوده و سایر سکونتگاه‌ها به عنوان سکونتگاه‌های روستایی شناخته شده‌اند.

رتبه	کل خدمات	پاسگاه نیروی انتظامی	دانشگاه پیام نور	دندانپزشک	گاز	جمع‌آوری زباله	آب تصفیه شده	اینترنت	بقالی	بهبار و ماما	بانک	حمام	وسایل حمل و نقل	تلفن	تعمیرگاه ماشین‌آلات غیر کشاورزی	شرکت تعاونی	دفتر جهاد کشاورزی	پزشک	خانه بهداشت	مرکز بهداشت	صندوق پست	دفتر پست	تعمیرگاه ماشین‌آلات کشاورزی	مرکز خدمات کشاورزی	داروخانه	دامپزشکی	کتابخانه	هنرستان	دبیرستان	راهمایی	دبستان	روستا مهد	راه	جمعیت	سال ۱۳۷۵	نام نقاط (روستایی و شهری)
۶	۱۰									۱		۱	۱	۱		۱		۱													۳	۷۰۰	دولت آباد			
۵	۱۲									۱		۱	۱	۱		۱		۱			۱									۱	۲	۹۹۷	پیوست فروشان			
۱۲	۴													۱																۱	۲	۱۹۳	خرم بیک			
۶	۱۰									۱		۱	۱	۱		۱		۱							۱				۱	۲	۴۹۹	سقدر				
۹	۷											۱						۱			۱								۱	۲	۲۸۶	سرتلخ				
۱۰	۶											۱		۱		۱									۱				۱	۱	۱۳۲	قره بیک				
۱۰	۶											۱	۱	۱				۱			۱									۱	۱	۱۶۲	کلاته سلطانی			
۱۴	۲									۱																				۱	۱	۶۰	کلاته لویدانی			
۱۲	۴											۱						۱											۱	۱	۳۷۷	داس				
۵	۱۲									۱		۱	۱	۱		۱		۱											۱	۳	۳۲۵	حریم آباد				
۸	۸											۱		۱				۱							۱				۳	۱۶۶	مجدآباد					
۳	۱۴					۱			۱	۱		۱		۱		۱		۱			۱								۱	۳	۲۴۵۳	گرینه				
۸	۸									۱		۱	۱	۱		۱		۱											۱	۱	۱۸۵۱	چناران				
۸	۸									۱		۱		۱		۱		۱											۱	۱	۲۳۵	دیزباد علیا				
۱۳	۳											۱																	۱	۱	۱۷۶	بازحیدر				
۱۴	۲																												۱	۱	۴۳	چشمه خسرو				

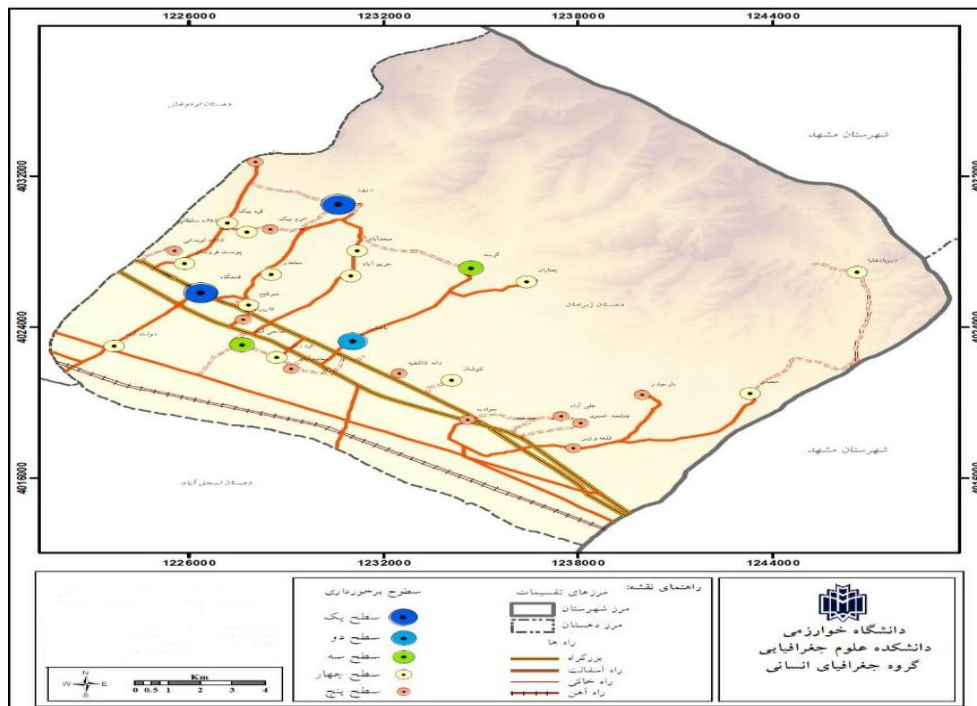
۷	۹									۱	۱	۱		۱		۱	۱							۱	۱	۹۷۰	حصار						
۱۴	۲									۱																۱	۱۱۹	علی آباد					
۹	۷									۱	۱	۱													۱	۳	۵۷۹	دانه کاشفیه					
۷	۹							۱		۱	۱	۱		۱										۱	۱	۱	۵۷۰	کوشان					
۲	۲۴				۱			۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱					۲	۲	۳	۳۲۳۵	باغشن					
۹	۷									۱		۱		۱											۱	۲	۶۱۸	کاریزنو					
۴	۱۳							۱		۱	۱	۱		۱											۱	۱	۳	۱۳۵۴	حاجی آباد				
۹	۷									۱	۱	۱														۱	۳	۳۳۰	جوادیه				
۹	۷							۱			۱															۱	۲	۳۱۴	قره داش				
۱۱	۵									۱				۱												۱	۱	۲۵۳	قلعه وزیر				
۱۱	۵									۱		۱														۱	۲	۲۰۲	محمدآباد				
۱	۳۲	۱		۱		۱	۱	۲	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱			۲	۲	۲	۳	۱۶۷۸	قدمگاه				
۱	۳۲	۱		۱		۱	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱			۲	۲	۳	۱	۳	۶۰۳۸	شهر درود			
	۲۷۵	۲		۲		۴	۳	۷	۱۲	۴	۲۶	۱۴	۲۲	۳	۱۶	۲	۶	۱۸	۴	۱۰	۸	۳	۳	۲	۴	۱	۴	۸	۳۰	۱	۵۶	۲۵۰۱۵	کل
		۵۰		۵۰		۲۵	۳۳.۳		۱۴.۲	۸.۳	۲۵	۳.۸	۷.۱	۴.۵	۳۳.۳	۶.۲	۵۰	۱۶.۶	۵.۵	۲۵	۱۰	۱۲.۵	۳۳.۳	۳۳.۳	۵۰	۲۵	۱۰۰					ضریب مکانی	

جدول ۳- سطح برخورداری روستاها از خدمات در سال ۱۳۷۵

ردیف	شاخص مرکزیت	سطح برخورداری از خدمات سال ۱۳۷۵	تعداد سکونتگاه‌ها	نام سکونتگاه‌ها
۱	۳۹۲.۰-۷۳۴.۵	سطح یک	۲	درود، قدمگاه
۲	۱۷۲.۱-۳۹۲.۰	سطح دو	۱	باغشن
۳	۸۱.۱-۱۷۲.۱	سطح سه	۲	گرینه، حاجی اباد
۴	۲۶.۷-۸۱.۱	سطح چهار	۱۳	دیزباد علیا، حصار، کوشان، چناران، قره داش، حریم اباد، مجدآباد، سخدر، کاریزنو، دولت اباد، قره بیک، پوستفروشان، کلاته سلطانی،
۵	۵.۰-۲۶.۷	سطح پنج	۱۱	باز حیدر، چشمه خسرو، علی اباد، قلعه وزیر، جوادیه، دانه کاشفیه، محمدآباد، سرتلخ، خرم بیک، داس، کلاته لویدانی.

در پژوهش حاضر، جهت شناخت تغییرات مربوط به نحوه دسترسی سکونتگاه‌ها به خدمات و امکانات طی دوره زمانی ۲۳ ساله، از تعدادی نقشه اعم از نقشه موقعیت جغرافیایی (تقسیمات سیاسی منطقه)، نقشه پراکنش سکونتگاه‌های شهری و روستایی در محدوده دهستان، نقشه راه‌های ارتباطی (آسفالت، شوسه و خاکی) به منظور تشخیص نوع دسترسی سکونتگاه‌ها به یکدیگر و نقشه سطح‌بندی روستاها بر اساس دسترسی به خدمات استفاده گردید. به طوری که ابتدا به وسیله شاخص مرکزیت به تبیین نظام سلسله مراتبی و تعیین روابط عملکردی سکونتگاه‌ها پرداختیم. پس از سطح‌بندی سکونتگاه‌ها در سطوح مختلف برخورداری از خدمات نقشه‌های مزبور، با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (ARC GIS) روی هم قرار داده شدند، در نهایت دستاوردهای پژوهش در قالب نقشه سطح‌بندی سکونتگاه‌های دهستان زبرخان در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۹۸ تنظیم و ارائه شد.

با توجه به ساختار فضایی سکونتگاه‌ها، تعدادی از آنها به دلیل دارا بودن پاره‌ای از خدمات و امکانات، همچنین موقعیت جغرافیایی مطلوب‌تر به عنوان سکونتگاه برتر اهمیت یافتند. شکل ۲، سطوح مختلف عملکردی سکونتگاه‌ها و عملکرد شبکه ارتباطی را در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد. همان‌گونه که نمایان است شهر درود و قدمگاه به دلیل داشتن تعداد زیادی از خدمات به ویژه خدمات حوزه‌ای درجه یک (پمپ بنزین، بانک، پزشک و...) و درجه دو (تعمیرگاه، شرکت تعاونی و...) عنوان سکونتگاه‌های برتر ناحیه در سال ۷۵ را به خود اختصاص دادند.



شکل ۲- سطوح مختلف عملکردی سکونتگاه‌ها و عملکرد شبکه ارتباطی در سال ۱۳۷۵

بررسی‌های مربوط به سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که دو سکونتگاه درود و قدمگاه، همچنان جایگاه خود را در سطح نخست حفظ کرده‌اند. روستای حاجی آباد، یک پله ارتقا یافته و از سطح سوم در سال ۷۵ به سطح دوم در سال ۹۸ رسیده است. همچنین روستاهای کاریزنو، پوست فروشان و ... از سطح چهار در سال ۷۵ به سطح ۳ در سال ۹۸ تغییر یافته‌اند. این درحالیست که روستای گرینه همچنان در سطح سه باقی‌مانده و تغییر خاصی نداشته است. بر اساس جدول شماره ۴، وضعیت توزیع خدمات در سکونتگاه‌های دهستان به گونه‌ای است که از مجموع کل سکونتگاه‌ها در سال ۹۸، میزان ۵۸.۶۲ درصد سکونتگاه‌ها در حد پایین‌تر از متوسط و ۴۱.۳۷ درصد باقیمانده فراتر از حد میانگین قرار دارند. همچنین بر اساس یافته‌های حاصل از روش شاخص مرکزیت، نهاده‌های بقالی، دبستان و تلفن به ترتیب با ۱.۹۲، ۳.۳۳ و ۳.۸۴ کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند که این نشانگر آن است که اکثر سکونتگاه‌های دهستان از این سه خدمت برخوردارند و بر عکس نهاده‌های هنرستان، دانشگاه، مرکز خدمات کشاورزی بالاترین امتیاز را کسب کرده‌اند که نشان می‌دهد تعداد انگشت‌شماری از سکونتگاه‌ها این خدمات را دارا هستند. قدمگاه در اوایل سال ۷۶ به شهر تبدیل شده است و بر اساس سرشماری ۱۳۹۵ دارای ۳۰۱۰ نفر جمعیت بوده است. از آنجا که قدمگاه، شهر بین‌راهی محسوب می‌شود و علاوه بر دارا بودن جاذبه گردشگری مذهبی، واقع شدن آن در مرکز دهستان سبب گشته که این سکونتگاه به قطب اصلی خدمات در دهستان تبدیل شود و روستاهای اطراف برای دسترسی به امکانات و خدمات به آن مراجعه کنند، همین امر باعث پیشتازی قدمگاه بر درود شده است. در حالی که، شهر درود به لحاظ موقعیت جغرافیایی حاشیه‌ای که دارد، علی‌رغم قدمت دیرینه و وجود تعدادی امکانات و خدمات نتوانسته به عنوان جاذب و قطب دهستان از قدمگاه پیشروی کند.

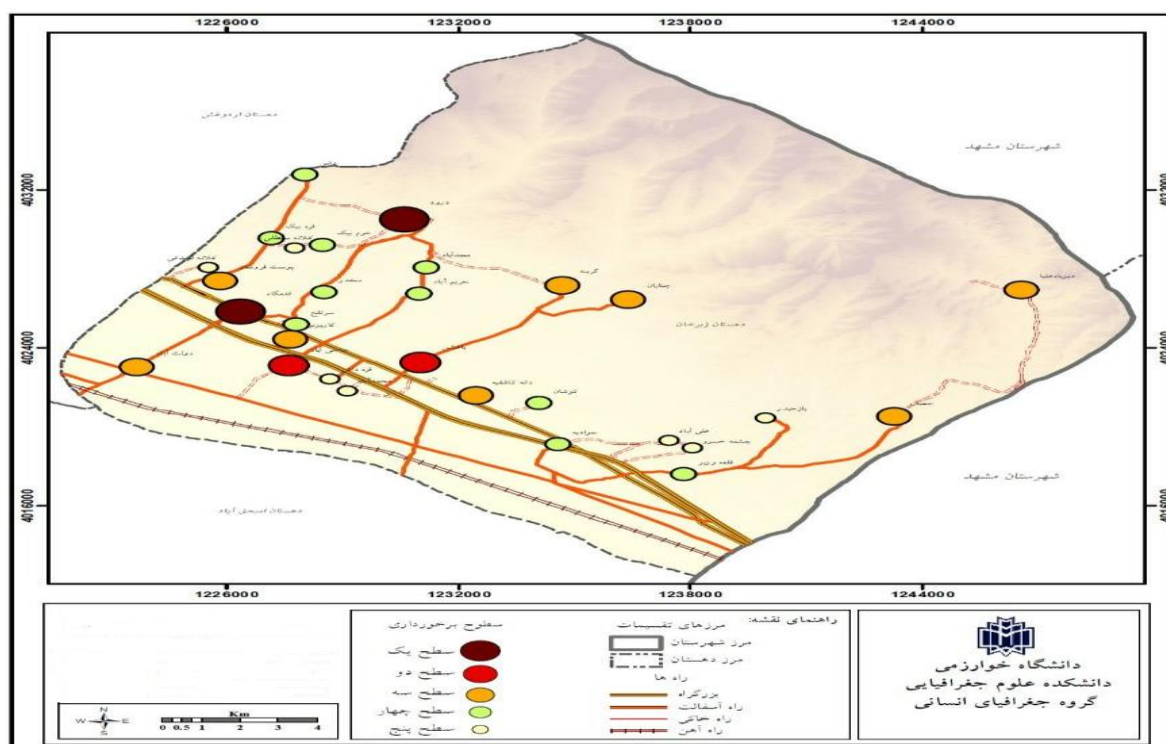
رتبه	کل خدمات	پاسگاه نیروی انتظامی	دانشگاه پیام نور	دندانپزشک	گاز	جمع آوری زباله	آب تصفیه شده	بقالی	دسترسی به اینترنت	دفتر جهاد کشاورزی	حمام	تلفن	بهار و ماما	بانک/ عابر بانک	دامپزشکی	وسایل حمل و نقل	مرکز خدمات کشاورزی	تعمیرگاه تعمیر کشاورزی	شرکت تعاونی	داروخانه	پزشک	خانه بهداشت	مرکز بهداشت	صندوق پست	دفتر پست	تعمیرگاه ماشین الات کشاورزی	کتابخانه	هنرستان	دبیرستان	راهنمایی	دبستان	روستا مهد	راه	جمعیت	سال ۱۳۹۸ نام نقاط
۷	۱۸				۱	۱	۱	۲	۱		۱	۱				۱						۱	۱	۱							۳	۶۳۵	دولت آباد		
۷	۱۸				۱	۱	۱	۱	۱			۱	۱		۱	۱			۱			۱	۱	۱							۴	۹۰۵	پوست فروشان		
۱۳	۹										۱	۱				۱														۱	۳	۲۱۹	خرم بیک		
۱۰	۱۲				۱	۱		۱			۱	۱				۱						۱								۱	۳	۳۲۶	سخر		
۱۱	۱۱				۱	۱		۱	۱			۱				۱						۱	۱							۱	۲	۲۴۸	سرتلخ		
۱۴	۸				۱	۱	۱					۱							۱												۳	۸۵	قره بیک		
۱۵	۵															۱						۱									۳	۱۲۷	کلاته سلطانی		
۱۶	۴				۱																										۳	۴۹	کلاته لویدانی		
۱۴	۸										۱	۱										۱	۱							۱	۳	۳۴۳	داس		
۹	۱۳				۱	۱	۱	۱	۱			۱	۱									۱	۱							۱	۳	۲۹۷	حریم آباد		
۱۲	۱۰				۱	۱	۱	۱				۱										۱								۱	۳	۱۲۷	مجدآباد		
۶	۲۰				۱	۱	۱	۳	۱			۱		۱				۲	۱			۱	۱	۱	۱					۱	۳	۱۳۸۲	گرینه		
۸	۱۷					۱		۲	۱		۱	۱				۱					۱	۱		۱	۱				۲	۱	۳	۱۶۷۴	چناران		
۸	۱۷				۱	۱	۱	۲	۱		۱	۱							۱		۱	۱			۱					۱	۳	۶۳۵	دیزباد علیا		
۱۵	۵											۱																			۱	۳	۹۵	بازحیدر	
۱۵	۵					۱																								۱	۳	۸۴	چشمه خسرو		
۶	۲۰				۱	۱	۱	۲	۱			۱				۱		۲	۱			۱	۱	۱		۱			۱	۱	۳	۸۵۷	حصار		
۱۷	۳											۱																			۲	۲۲۹	علی آباد		
۸	۱۷				۱	۱	۱	۱	۱		۱	۱				۱						۱	۱	۱	۱					۱	۳	۳۶۵	دانه کاشفیه		

۱۰	۱۲				۱	۱	۱				۱	۱			۱				۱									۱		۳	۲۸۳	کوشان				
۳	۳۹			۱	۱	۱	۱	۵	۱		۱	۱	۱	۲	۱	۱		۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲	۲	۱	۱	۳	۲۹۵۸	باغشن		
۵	۲۲			۱	۱	۱	۳	۱			۱		۱		۱		۲	۱			۱	۱	۱			۱		۱	۱	۳	۶۵۸	کاریزنو				
۴	۳۰			۱	۱	۱	۴	۱			۱	۱	۱		۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱		۲	۱	۱	۳	۱۵۲۷	حاجی آباد				
۱۳	۹				۱						۱										۱		۱	۱				۱		۳	۳۵۰	جوادیه				
۱۴	۸						۱				۱										۱							۱		۳	۲۸۳	قره داش				
۱۰	۱۲				۱		۱				۱	۱						۱		۱	۱							۱		۳	۲۱۷	قلعه وزیر				
۱۶	۴										۱																			۳	۱۳۸	محمدآباد				
۱	۶۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱۰	۱	۱		۱	۱	۳	۱	۴	۱	۹	۱	۲	۵	۱	۱	۱	۱	۲	۱	۱	۳	۲	۴	۳	۳	۳۰۱۰	قدمگاه		
۲	۵۸	۱	۱	۲	۱	۱	۱۰	۱	۱		۱	۱	۲		۴	۱	۵	۱	۱	۳	۱	۱	۱	۱		۱		۲	۲	۴	۴	۳	۵۷۱۷	شهر درود		
	۴۸۳	۲	۲	۴	۱۷	۲۱	۱۵	۵۲	۱۴	۲	۱۰	۲۶	۷	۹	۴	۲۴	۲	۲۵	۱۵	۵	۱۳	۲۲	۹	۱۲	۱۲	۴	۷	۱	۷	۱۳	۳۰	۱۱	۸۵	۲۳۸۲۳	کل	
			۲۰	۵۰	۲۵	۵۸	۴۷	۶۶	۱۹۲	۷۱۴	۵۰	۱۰	۳۸۴	۱۴۲	۱۱۱۱	۲۵	۴۱۶	۵۰	۴	۶۶۷	۲۰	۷۶۹	۴۳۴	۱۱۱	۸۳۳	۸۳۳	۲۵	۱۴۲۸	۱۰۰	۱۴۲۸	۷۶۹	۳۳۳	۹۰۹	۱۱۷	-	ضریب مکانی

جدول ۴- سطح برخورداری روستاها از خدمات در سال ۱۳۹۸

ردیف	شاخص مرکزیت	سطح برخورداری از خدمات سال ۱۳۹۸	تعداد سکونتگاه‌ها	نام سکونتگاه‌ها
۱	۳۲۱.۴-۷۵۲.۸	سطح یک	۲	قدمگاه، درود
۲	۱۲۰.۵-۳۲۱.۴	سطح دو	۲	باغشن، حاجی اباد
۳	۶۸.۰۷-۱۲۰.۵	سطح سه	۸	کارینزو، پوست فروشان، دولت اباد، گرینه، چناران، دانه کاشفیه، حصار، دیزباد علیا.
۴	۲۲.۶-۶۸.۰۷	سطح چهار	۱۰	قلعه وزیر، جوادیه، کوشان، سرتلخ، سخدر، مجدآباد، حریم اباد، خرم بیک، داس، کلاته سلطانی.
۵	۷.۲-۲۲.۶	سطح پنج	۷	بازحیدر، علی اباد، چشمه خسرو، محمد اباد، قره داش، قره بیک، کلاته لویدانی.

همان‌طور که شکل ۳ نشان می‌دهد، شهرهای قدمگاه و درود و روستا شهر باغشن به عنوان خوشه‌های مرکزی دهستان شناخته می‌شوند. روستا شهر باغشن به دلیل قرارگیری در مرکز دهستان به تعداد زیادی از روستاهای اطراف خدمات می‌دهد. شهر قدمگاه نیز به دلیل موقعیت استراتژیک و قرارگیری در مسیر اتوبان تهران- مشهد توانسته به‌عنوان یکی از مهمترین قطب‌های ناحیه، روز به روز پررنگتر جلوه کند. همچنین تعداد زیادی از روستاها توانسته‌اند با بهره‌گیری از پاره‌ای امکانات و برنامه‌ریزی صحیح دست‌اندرکاران، وضعیت خود را طی ۲۳ سال مذکور ارتقا بخشند. قابل ذکر است که جاده قدیم مشهد- نیشابور به دلیل احداث آزاد راه سراسری، طی ده سال گذشته عملکرد منطقه‌ای خود را از دست داده و تنها در سطح ناحیه‌ای و محلی از آن استفاده می‌شود.



شکل ۳- سطوح عملکردی سکونتگاه‌ها و عملکرد شبکه ارتباطی را در سال ۱۳۷۵

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، برنامه‌ریزان توسعه بدین نتیجه رسیده‌اند که امروزه برنامه‌ریزی با تعصب شهری و یا تعصب روستایی نمی‌تواند جوابگوی نیازهای جوامع در فرایند چندگانه و چند بعدی توسعه باشد. لذا کوشش در راستای انتظام فضایی سکونتگاه‌ها، اعم از شهری و روستایی می‌تواند زمینه‌ساز پیشبرد برنامه‌های توسعه در سطوح گوناگون به شمار آید. در این راستا از یک سو، شناخت ظرفیت‌ها و قابلیت‌های

سکونتگاه‌ها و از سوی دیگر تنظیم صحیح و بسامان نحوه ارائه خدمات مناسب به آنها به‌منظور بهره‌گیری عقلایی از این قابلیت‌ها، از گام‌های اولیه و اساسی است که باید به نحوی متین و استوار برداشته شود. نقاط روستایی ایران که بیش از ۷۰ درصد آنها دارای جمعیتی کمتر از یکصد خانوار هستند، توان جذب سرمایه، خدمات و تکنولوژی مناسب برای توسعه همه‌جانبه و پایدار را ندارند. لذا ضروری است بر اساس مطالعات جامع، یک مجموعه روستایی همگن را بر پایه‌ی اصول و مدل‌های نوین دسته‌بندی کرد و یک نظام سلسله مراتب خدماتی حاکم کرد تا بتوان در توزیع امکانات، تسهیلات، خدمات و تکنولوژی عدالت فضایی را رعایت کرد.

بر این اساس تحقیق حاضر با رویکردی فضایی به ارزیابی الگوی پراکنش عملکردی سکونتگاه‌های ناحیه روستایی زبرخان طی بازه زمانی ۲۳ ساله پرداخته است. به طوری که جهت رسیدن به اهداف تحقیق، با استفاده از شاخص مرکزیت و به‌کارگیری ۳۵ متغیر، نسبت به سطح‌بندی سکونتگاه‌های مورد مطالعه در سطوح مختلف عملکردی (۵ سطح) اقدام گردید.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سطوح برخورداری روستاهای ناحیه با یکدیگر متفاوت است. در واقع، نتایج حاصل از بررسی الگوی پراکنش فضایی نشان می‌دهد که، سکونتگاه‌های واقع در دهستان زبرخان نیازهای خدماتی خود را از شهرهای کوچک (قدمگاه و درود) و سکونتگاه‌های روستایی مرکزی (باغشن) تامین می‌کنند. زیرا همان‌گونه که یافته‌های حاصل از روش شاخص مرکزیت و سطح‌بندی سکونتگاه‌ها نشان می‌دهد، سکونتگاه‌های مذکور با دارا بودن بیشترین امتیاز در دسترسی به خدمات و امکانات، رتبه‌های اول را به خود اختصاص داده‌اند. این در حالیست که روستاهای بازحیدر، علی‌آباد، چشمه خسرو، محمدآباد، قره‌داش، قره‌بیگ و کلاته لویدانی در پایین‌ترین سطح توسعه (محروم) قرار دارند و از حداقل خدمات و امکانات بی‌بهره‌اند. در فرایند توسعه روستایی هر چند ارتقا کلی همه نواحی روستایی مهم است، ولی توجه به نواحی روستایی محروم و کمتر برخوردار، در راستای تامین نیازهای اساسی آنها و همچنین تعدیل تفاوت‌ها در سطوح برخورداری آن‌ها اهمیت بیشتری دارد. در ناحیه زبرخان نیز، هر چند همه‌ی روستاهای آن در فرایند توسعه خود به تهبیه و اجرای طرح‌های متناسب با نوع و سطح محرومیت نیاز دارند، ولی ۷ روستای مذکور، به دلیل اینکه در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و ... در وضعیت کمتر برخوردار و یا محروم قرار دارند، اولویت بیشتری را برای اجرای برنامه‌های توسعه هدفمند دارا می‌باشند.

در جمع‌بندی نهایی، می‌توان این‌گونه ادعان کرد که سازمان فضایی از گذشته تا به امروز از الگویی قطبی بر محوریت شهرها تبعیت می‌کند که زمینه‌ساز عدم تعادل فضایی گردیده و تخریب منابع را به دنبال داشته است. لذا توسعه روستایی در ناحیه فاقد الگوی شبکه‌ی یکپارچه منطقه‌ای و مبتنی بر مدل‌های غیرارگانیک است. از آنجا که تحولات سازمان فضایی در تمامی ابعاد می‌تواند تأثیرات مثبت و منفی زیادی بر ناحیه گذارد، لذا شناخت صحیح آن به‌منظور مدیریت بهتر و استفاده بهینه از منابع، الزامیست. در واقع چنین مطالعاتی بیانگر نوع مدیریت اعمال شده در منطقه و همچنین نشان‌دهنده نقاط ضعف و قوت آن در طول دوره مطالعاتی است که می‌تواند به عنوان یک ابزار مدیریتی قدرتمند برای مدیریت بهینه سکونتگاه‌ها در جهت نیل به توسعه پایدار و درخور در اختیار مدیران و مسئولان محلی قرار گیرد.

منابع

- افراخته، حسن و حجت‌پور، محمد. (۱۳۹۶). خزش شهری و پیامدهای آن در توسعه پایدار روستایی (مورد: روستاهای پیرامونی شهر بیرجند)، *نشریه جغرافیا*، دوره ۱۱، شماره ۳۹، صص ۱۸۵-۱۵۸.
- تیموری، سمانه، شکور، علی و گندمکار، امیر. (۱۳۹۴). سطح‌بندی سکونتگاه‌های روستایی بر اساس توان انسانی از دیدگاه آمایش سرزمین (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان شیراز)، *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال ۶، شماره پیاپی ۲۱، صص ۱۰۲-۹۳.
- داداش‌پور، هاشم و آفاق‌پور، آتوسا. (۱۳۹۵)، *عقلانیت معرفتی و نظری نوین حاکم بر سازمان فضایی سیستم‌های شهری. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره هشتم، شماره ۲، صص ۲۸-۱.
- دیوسالار، اسدالله و کیانژاد تجنکی، سید قاسم. (۱۳۹۴). تبیین سازمان فضایی شهرستان بابل با استفاده از شاخص‌های کمی و کیفی، *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال ۶، شماره پیاپی ۲۶، صص ۱۴۰-۱۲۹.
- رستم‌پور، هوشنگ، محمدی یگانه، بهروز و حیدری، حسن. (۱۳۸۹). تبیین سازمان‌یابی فضایی سیستم‌های شهری (مطالعه موردی: دو استان بوشهر و فارس)، *مجله آمایش محیط*، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۲۵-۱.
- سعیدی، عباس و شفیع‌ی ثابت، ناصر. (۱۳۸۴). پدیده خوردگی چشم انداز و تحول کاربری اراضی کشاورزی روستاهای پیرامونی کلانشهر تهران. *نشریه انجمن جغرافیایی ایران*، ۳ (۴-۵)، ۱۶۲-۱۴۵.
- سعیدی، عباس. (۱۳۸۸). *سطح‌بندی روستاهای کشور*. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی، انتشارات شهیدی، تهران.

- صرافی، مظفر. (۱۳۶۴). سیری در مباحث توسعه فضایی با نگاهی ویژه بر طرح آمایش سرزمین، دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- ضرابی، اصغر و پریزادی، طاهر. (۱۳۹۰). سطح‌بندی سکونتگاه‌ها و تعیین حوزه عملکردی محلی آن (مطالعه موردی: دهستان صاحب‌بخش زیویه شهرستان سقز)، فصلنامه علمی پژوهشی *انجمن جغرافیای ایران*، سال نهم، شماره ۲۸، صص ۲۰۲-۱۷۹.
- علیائی، محمد صادق و عزیزی، سمیه. (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر تحولات کارکرد اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی در شهرستان ری. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۸ (۱)، ۲۳۸-۲۲۳.
- قادری، رضا و آسایش، حسین. (۱۳۸۸). تحلیل و تبیین جغرافیایی توزیع فضایی - مکانی سکونت‌گاه‌های روستایی نمونه موردی: بخش لاجان - شهرستان پیرانشهر، *فصلنامه جغرافیایی سرزمین*، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۵۴-۴۱.
- قاسمی سیانی، محمد. (۱۳۹۶). تبیین تحولات ساختاری-کارکردی سازمان فضایی سکونتگاه‌های روستایی، مطالعه موردی: بخش بن رود و جلگه شهرستان اصفهان، رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی، به راهنمایی دکتر حسن افراخته.
- قاسمی، محمد و عزیزپور، فرهاد. (۱۳۹۸). تحول در نظام فعالیت و دگردیسی سازمان فضایی نواحی روستایی حاشیه زاینده رود (مطالعه موردی: ناحیه بن رود و جلگه شهرستان اصفهان). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۲(۴)، ۱۴۷۴-۱۴۵۳.
- کاظمیان، غلامرضا. (۱۳۸۳). تبیین رابطه ساختار حاکمیت و قدرت شهری با سازمان‌یابی فضا. رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- کریمی، آرام، پورطاهری، مهدی و احمدی، حسن. (۱۳۹۵). تحلیل سازمان فضایی و سطح‌بندی نظام شهری استان کردستان و ارائه الگوی توسعه نظام شهری، *مطالعات محیطی هفت حصار*، شماره نوزدهم، سال ششم، صص ۵۲-۳۱.
- کلانتری، خلیل. (۱۳۹۱). مدل‌های کمی در برنامه‌ریزی، انتشارات فرهنگ صبا، تهران.
- محمدی، بلال. (۱۳۹۱). تحلیل سازمان فضایی نظام سکونتگاه‌های شهرستان جواهرود، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، استاد راهنما احمد پوراحمد.
- ملکی پور، موسی. (۱۳۹۱). تحلیل فضایی نظام سکونتگاه‌های روستایی بخش شرق و غرب شهرستان دهلران، *فصلنامه سپهر*، دوره بیستویکم، شماره ۸۴، صص ۵۸-۵۴.